

بررسی رابطه توانایی مدیریتی، آشفته‌گی مالی و هزینه‌های حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

معصومه اوغازیان^۱، مصطفی شادکامی^۲

^۱ کارشناسی ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی اشراق بجنورد

^۲ گروه حسابداری، موسسه آموزش عالی اشراق بجنورد

نویسنده مسئول:

معصومه اوغازیان

چکیده

هدف از این تحقیق بررسی رابطه توانایی مدیریتی، آشفته‌گی مالی و هزینه‌های حسابرسی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده است. در این تحقیق از توانایی مدیریتی به عنوان متغیر مستقل و از هزینه‌های حسابرسی بعنوان متغیر وابسته بهره گرفته شد. همچنین متغیر آشفته‌گی مالی بعنوان متغیر تعدیلگر استفاده شد. این متغیرها از طریق برازش مدل‌های رگرسیونی با داده‌های ترکیبی طی دوره ۶ ساله ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۶ بر شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به شیوه جمع‌آوری داده‌ها، این تحقیق از نوع تحقیقات توصیفی و از لحاظ هدف از نوع تحقیقات کاربردی محسوب می‌شود، زیرا با هدف برخورداری از نتایج یافته‌ها برای حل مسائل موجود در شرکت‌ها صورت گرفته است. نتایج نشان داد آشفته‌گی مالی رابطه بین توانایی مدیریتی و حق الزحمه حسابرسی در شرکتهای پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران را بصورت منفی تعدیل می‌کند.

واژگان کلیدی: توانایی مدیریتی، آشفته‌گی مالی، هزینه‌های حسابرسی

۱. مقدمه

ادبیات پیشین نشان می‌دهد که توانایی مدیریت بالا تأثیرات مثبتی بر روی سیاست‌های شرکت‌ها و پیامدهای گزارشگری مالی دارد (ماتسوموتو و ژانگ^۱، ۲۰۱۱؛ بامبر و همکاران^۲، ۲۰۱۰). بطور خاص دمرجیان و همکاران^۳ (۲۰۱۳) ارتباط مثبت بین توانایی مدیریتی بالا و کیفیت گزارشگری مالی مشاهده کرده‌اند و کریشنن و وانگ^۴ (۲۰۱۵) دریافته‌اند که توانایی مدیریت بالا، هزینه‌های حسابرسی را کاهش داده که ناشی از کاهش ریسک حسابرسی و بهتر شدن کیفیت گزارشگری مالی می‌باشد.

در این مطالعه ما ادبیات تحقیق را گسترش می‌دهیم و بررسی می‌کنیم که آیا رابطه بین توانایی مدیریتی و هزینه‌های حسابرسی مشروط بر آشفتگی مالی است.

وولف و هرمانسون^۵ (۲۰۰۴) و دلپورتاس^۶ (۲۰۱۳) معتقدند که مدیران باتوانایی بالا می‌توانند در درک بهتر خود از شیوه‌های گزارشگری مالی و ضعف‌های کنترل داخلی شرکت برای بهره‌برداری از فرصت‌های تقلب و طراحی استراتژی‌های مخفی استفاده کنند. تحقیق ما آشفتگی مالی را به‌عنوان یک عامل که می‌تواند به مدیران توانا را برای انتخاب چنین رفتار فرصت طلبانه انگیزه دهد، معرفی می‌کند.

آشفتگی مالی باعث ایجاد انگیزه برای مدیران با توانایی پایین، برای دستیابی به فرصت‌های تجارتي می‌شود، زیرا زمان‌های دشوار می‌توانند فرصت‌های مدیریتی را بعنوان دلگرمی و ترغیب برای برآورده شدن انتظارات بازار استفاده کرده، پاداش کوتاه‌مدت مدیریتی را حداکثر کرده و بازده شرکت را تحت تأثیر قرار دهند (بسیانسون و ورنسینو^۷، ۲۰۰۹؛ افندی و همکاران^۸، ۲۰۰۷؛ جنسن و مک کلینگ^۹، ۱۹۷۶). به‌طور خاص، مدیران توانمندتر، با استفاده از هوش، تخصص و درک بهتر از شیوه‌های گزارشگری مالی و نقاط ضعف کنترل داخلی شرکت، در موقعیتی بهتر قرار می‌گیرند که از فرصت‌های تقلب استفاده کنند، از کنترل داخلی جلوگیری کنند، و دستکاری / تقلب، نسبی را پنهان کنند.

حسابرسان دسترسی و استفاده از مجموعه‌ای از اطلاعات شرکت داخلی را برای ارزیابی ریسک حسابرسی که به طور کلی برای سایر گروه‌های خارجی در دسترس نیستند را در اختیار دارند. به همین ترتیب، هزینه‌های حسابرسی می‌تواند شاخصی از فعالیت‌های مدیریتی و اطلاعات داخلی شرکت‌ها باشد.

حسابرسان به دلیل ناتوانی در صدور گزارش‌های اصلاحی نگرانی و هشدار به بازار در ورشکستگی‌های قریب الوقوع مورد انتقاد قرار گرفته‌اند. در پاسخ به چنین انتقادی در حرفه حسابرسی و فرصت‌های بیشتر برای مدیران با توانمندی بالا در شرکت‌ها با آشفتگی مالی، برای استخراج گزارش نادرست، حسابرسان باید با ارزیابی ریسک حسابرسی خود محافظه‌کاری بیشتری داشته باشند تا کمبودها و ناکامی‌های حسابرسی را کاهش دهند (بویل و همکاران^{۱۰}، ۲۰۱۵).

شواهد نشان می‌دهد که ارتباط منفی بین توانایی‌های مدیریتی و هزینه‌های حسابرسی که توسط کریشنن و وانگ (۲۰۱۵) تایید شده است، احتمالاً ناشی از آشفتگی مالی است.

۲. مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش:

مدیریت شرکت بعنوان مهمترین رکن اداره کننده شرکت، مسئولیت نهایی اتخاذ تصمیمات راهبردی و برنامه‌ریزی عملیاتی شرکت را بر-عهده دارد. در دنیای دائماً در حال تغییر و بازار رقابتی امروز، استراتژی‌های مدیریت می‌تواند نقشی تعیین کننده بر آینده و ارزش آتی شرکت ایفا کند. از این رو از دیدگاه تئوری و عمل میتوان توانایی مدیران را بعنوان مهمترین عامل انسانی تأثیرگذار بر موفقیت شرکت در محیط کسب و کار و در نهایت افزایش ارزش شرکت تلقی نمود (کمالی منفرد و احمدی، ۱۳۹۶).

مدیران دارای توانایی بالا قدرت درک بهتری از شرایط داخلی و خارجی شرکت داشته و علاوه بر برآوردهای با کیفیتی که انجام می‌دهند، به واسطه شناخت و قدرت درک خود، پروژه‌های سودآور را شناسایی کرده و با سرمایه‌گذاری در آنها جریان‌های نقدی عملیاتی را نیز بهبود می‌بخشند (دمرجیان و همکاران، ۲۰۱۳).

¹ Matsumoto & Zhang

² Bamber et al

³ Demerjian et al

⁴ Krishnan & Wang

⁵ Wolfe & Hermanson

⁶ Dellaportas

⁷ Besancenot & Vranceanu

⁸ Efendi et al

⁹ Jensen & Meckling

¹⁰ Boyle et al

این پژوهش این دیدگاه را دنبال می‌کند که با افزایش توانایی مدیران ریسک حسابرسی نیز تغییر می‌کند. ویژگی‌های مدیران ارشد شرکت صاحبکار، اغلب در بررسی، پذیرش و برنامه ریزی کار حسابرسی در نظر گرفته می‌شوند (جانسون و همکاران^۱، ۲۰۱۳).

نتایج این پژوهش می‌تواند برای مدیران ارشد و مالی حسابداری شرکت‌ها؛ مشاوران، سبذگردانان، تحلیلگران، سهامداران و سرمایه‌گذاران بالقوه بورسی و همچنین محققان و اعضای هیات علمی و دانشجویان مالی و حسابداری مفید و کاربردی باشد. با توجه به موارد ذکر شده پرداختن به موضوع بررسی رابطه توانایی مدیریتی، آشفتگی مالی و هزینه‌های حسابرسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران ضروری بوده و نتایج پژوهش می‌تواند گام مهم و موثری در اقتصاد و موسسات پولی و مالی باشد.

ایگور^۲ (۲۰۱۸) رابطه توانایی مدیرعامل و شفافیت شرکت را مورد بررسی قرار داده‌اند. ۵۰۰ شرکت آمریکایی بعنوان نمونه‌های آماری انتخاب شدند. نتایج نشان داد که شرکت‌ها با توانایی بالای مدیرعامل، شفافیت مالی بیشتری دارند.

یانگ و چن^۳ (۲۰۱۸) رابطه توانایی مدیریتی و ریسک پذیری شرکت را مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان می‌دهد که مدیران با توانایی بالا پذیرای ریسک هستند. علاوه بر این، نتایج نشان می‌دهد که مدیران با توانایی بالا با افزایش ارزش شرکت در ارتباط هستند، در حالی که مدیران کم‌توان، ارزش شرکت را کاهش می‌دهند.

یاتاو و یین^۴ (۲۰۱۷) به بررسی ماهیت ساختاری رابطه بین توانایی مدیریت و حق الزحمه حسابرس بر روی نمونه‌ای متشکل از ۳۴۳۳ شرکت پرداختند. نتایج نشان داد رابطه منفی بین توانایی مدیریت و حق الزحمه حسابرس با واحدهای مورد رسیدگی و تغییرات در محیط بررسی شد. نتایج پژوهش آنها نشان داد رابطه منفی بین توانایی مدیریت و حق الزحمه خدمات حسابرسی احتمالاً برای مشتریانی که ابهام درباره تداوم فعالیت آنها وجود دارد یا در دوره پس از یک بحران مالی فعالیت می‌کنند، ضعیف‌تر است. همچنین هرچه دوره تصدی حسابرسی طولانی‌تر باشد، رابطه منفی بین توانایی مدیریت و حق الزحمه حسابرسی قوی‌تر است. رابطه منفی بین توانایی مدیریت و حق الزحمه حسابرسی نیز، بعد از تصویب قانون ساربینز - اکسلی نسبت به قبل از آن قوی‌تر است.

بنسان و همکاران^۵ (۲۰۱۶) به بررسی رابطه توانایی مدیریت و ارزیابی ریسک اعتباری پرداختند. نتایج نشان داد مدیران توانمندتر تغییرپذیری کمتری در عملکرد آینده دارند. همچنین، ارزیابی پایین‌تری از ریسک اعتباری این شرکت‌ها به وسیله موسسات رتبه‌بندی ریسک اعتباری انجام می‌گیرد و در شرکت‌هایی که مدیران آن توانایی بالاتری دارند، هزینه بدهی پایین‌تر است.

کستر و همکاران^۶ (۲۰۱۶) به بررسی نقش توانایی مدیریت در اجتناب مالیاتی پرداختند. نتایج نشان داد توانایی مدیریت رابطه معکوسی با نرخ موثر مالیاتی دارد. به عبارت دیگر، توانایی مدیران باعث کاهش مالیات بر درآمد پرداختی می‌گردد.

لی^۷ (۲۰۱۶) به بررسی رابطه بین توانایی مدیریت و کاهش ارزش سرقفلی پرداخت. نتایج نشان داد رابطه منفی و معناداری بین توانایی مدیریت و کاهش ارزش سرقفلی وجود دارد. به عبارت دیگر، شرکت‌هایی که مدیران تواناتری دارند، کاهش ارزش کمتری در سرقفلی آنها دیده می‌شود.

ایوانس و اسچوارتز^۸ (۲۰۱۴) به بررسی تاثیر تمرکز قوانین بازار بر حق الزحمه حسابرسی پرداختند. نمونه مورد بررسی شامل ۴۳۴۱۳ مشاهده سال-شرکت طی سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ بود. نتایج نشان داد که تمرکز در بازار بر حق الزحمه حسابرسی تاثیر ندارد (در شرکت‌های کوچک). اما تمرکز در بازار بر حق الزحمه حسابرسی تاثیر مثبت دارد (در شرکت‌های بزرگ).

لاری دشت بیاض و اورادی (۱۳۹۶) در پژوهش خود رابطه بین دوره تصدی و دانش مالی مدیرعامل با حق الزحمه حسابرسی را بررسی کردند. تعداد ۱۲۹ شرکت بعنوان نمونه آماری انتخاب شده است. یافته‌ها بیانگر رابطه مثبت میان دوره تصدی مدیرعامل و حق الزحمه حسابرسی می‌باشد. همچنین رابطه منفی میان دانش مالی مدیرعامل و حق الزحمه حسابرسی مشاهده شده است.

مرادزاده فرد (۱۳۹۵) به بررسی توانایی مدیریتی، کارایی سرمایه گذاری و ریسک سقوط آتی قیمت سهام پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که توانایی مدیریت باعث کاهش سرمایه گذاری کمتر از حد، باعث افزایش سرمایه گذاری بیش از حد می‌شود. همچنین باعث

¹ Johnson et al

² Yygur

³ Yung & Chen

⁴ Yutao & Yan

⁵ Bonsall et al

⁶ Koester et al

⁷ Li et al

⁸ Evans & Schwartz

افزایش ریسک سقوط قیمت آتی سهام می‌شود. از طرف دیگر نتایج حاکی از آن است که کیفیت گزارشگری مالی مطلوب، باعث کاهش ریسک سقوط قیمت آتی سهام خواهد شد.

لاری دشت بیاض و اورادی (۱۳۹۵) ویژگی‌های کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی را در بورس تهران بررسی کردند. نتایج حاکی از آن است که تخصص مالی و استقلال کمیته حسابرسی با حق الزحمه حسابرسی رابطه مستقیم دارند.

بزرگ اصل و صالح زاده (۱۳۹۴) رابطه توانایی مدیریت و پایداری سود با تاکید بر اجزای تعهدی و جریان های نقدی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را بررسی کردند. نتایج تحقیق نشان از وجود رابطه مثبت بین توانایی مدیریت و پایداری سود و همچنین توانایی مدیریت و پایداری اجزای تعهدی و نقدی سود دارد، ولی رابطه بین توانایی مدیریت و پایداری بخش تعهدی نسبت به بخش نقدی قوی‌تر است.

۳. فرضیه های پژوهش:

با در نظر گرفتن مبانی نظری و پژوهش های گذشته و نتایج آنها، فرضیه های پژوهش بدین شرح مطرح می‌شود:

۱- با ثابت فرض کردن سایر عوامل، بین توانایی مدیریتی و حق الزحمه حسابرسی در شرکت های پذیرفته شده بورس اوراق بها دار تهران رابطه‌ی منفی وجود دارد.

۲- آشفتگی مالی رابطه بین توانایی مدیریتی و حق الزحمه حسابرسی در شرکت های پذیرفته شده بورس اوراق بها دار تهران را تعدیل می‌کند.

۴. داده های پژوهش

این پژوهش بر اساس هدف از نوع کاربردی می‌باشد چون از نتایج این پژوهش اشخاص حقیقی و حقوقی می‌توانند بهره‌مند شود، بر اساس روش تحقیق، همبستگی بوده چون رابطه بین متغیرهای مختلف را مورد بررسی قرار می‌دهد. همچنین بر اساس روش گردآوری اطلاعات در زمره تحقیقات توصیفی جای می‌گیرد.

داده‌های متغیرهای تحقیق برای شرکت‌های نمونه در نرم افزار اکسل جمع‌آوری و جهت تجزیه‌وتحلیل در نرم‌افزار ای‌ویویز آماده می‌شوند. از دو نوع تحلیل برای تجزیه‌وتحلیل داده‌ها استفاده می‌شود. (۱) آمار توصیفی که توصیف متغیرها تحقیق توسط شاخص‌های پراکندگی مرکزی می‌باشد. (۲) آمار استنباطی که شامل آزمون همبستگی و آزمون‌های پیش فرض رگرسیونی و آزمون فرضیات تحقیق می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش شامل شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد که در بازه زمانی سالهای ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۶ که ویژگی‌های زیر را داشته باشند (روش نمونه‌گیری حذفی سیستماتیک):

(۱) شرکت قبل از سال ۱۳۹۱ در بورس پذیرفته شده باشد.

(۲) سال مالی شرکت منتهی به ۲۹ اسفندماه هر سال باشد.

(۳) شرکت طی دوره ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۶ تغییر سال مالی نداشته باشد.

(۴) با توجه به نوع تحقیق و متغیرهای مورد نیاز، شرکت جزء شرکتهای واسطه‌گری مالی و سرمایه‌گذاری نباشد (این شرکتها، بخاطر متفاوت بودن ماهیت و گزارشگری مالی با دیگر شرکتها از نمونه‌های آماری حذف می‌شوند).

(۵) اطلاعات مورد نیاز شرکت در دسترس باشد.

(۶) وقفه معاملاتی بیش از شش ماه در محدوده زمانی تعیین شده نداشته باشد.

بعد از درنظر گرفتن فیلترهای ذکر شده محدودیت‌های فوق تعداد ۹۸ شرکت نمونه‌های آماری این تحقیق می‌باشند.

مدل آماری و متغیرهای تحقیق

الگور رگرسیونی که برای آزمون فرضیه اول و دوم پژوهش استفاده شده است، مطابق پژوهش کریشنان و وانگ (۲۰۱۵) به شرح رابطه (۱) و (۲) است.

رابطه (۱):

$$\ln AF_{it} = \beta_0 + \beta_1 MGR_ABILITY_{it} + \beta_2 \ln SIZE_{it} + \beta_3 ROA_{it} + \beta_4 LOSS_{it} + \beta_5 LEV_{it} + \beta_6 SGROWTH_{it} + \beta_7 Quick_{it} + \beta_8 BIG_N_{it} + \beta_9 INSTO_{it} + \beta_{10} IND_EFFECT + \beta_{11} YEAR_EFFECT + e_{it}$$

رابطه (۲):

$$\ln AF_{it} = \beta_0 + \beta_1 MGR_ABILITY_{it} + \beta_2 DISTR_{it} + \beta_3 MGR_ABILITY_{it} * DISTR_{it} + \beta_4 \ln SIZE_{it} + \beta_5 ROA_{it} + \beta_6 LOSS_{it} + \beta_7 LEV_{it} + \beta_8 SGROWTH_{it} + \beta_9 Quick_{it} + \beta_{10} BIG_N_{it} + \beta_{11} INSTO_{it} + \beta_{12} IND_EFFECT + \beta_{13} YEAR_EFFECT + e_{it}$$

تعریف متغیرها:

- متغیر مستقل :

- توانایی مدیریتی (MGR_ABILITY):

به منظور اندازه گیری توانایی مدیریت از الگوی ارائه شده توسط دمرجیان و همکاران (۲۰۱۳) استفاده شده است. سنجش توانایی مدیران با استفاده از این الگو در دو گام صورت می گیرد. گام اول، ابتدا کارایی شرکت با استفاده از روش تحلیل پوششی داده ها (DEA) و الگوی BCC با در نظر گرفتن بهای تمام شده کالای فروش رفته (CGS)، هزینه های اداری، عمومی و فروش (SG&A)، دارایی های ثابت مشهود (PPE)، اجاره عملیاتی (OpsLease)، مخارج تحقیق و توسعه (R&D) و دارایی های نامشهود (Intan) به عنوان متغیرهای ورودی و فروش (Sale) به عنوان متغیر خروجی سنجیده می شود.

DEA مرز کارایی را برای شرکت ها فراهم می کند. اندازه کارایی (θ) که DEA تولید می کند، یک عدد بین صفر و یک است. شرکت هایی با نمره کارایی یک، شرکت هایی هستند که بسیار کارا بوده و شرکت هایی که امتیاز کارایی آنها کمتر از یک است، زیر مرز کارایی قرار دارند و باید با کاهش هزینه ها یا با افزایش درآمدها به مرز کارایی برسند. با توجه به عدم افشای مناسب خارج تحقیق و توسعه برای شرکت های ایرانی این متغیر از مدل زیر کنار گذاشته شده است. همچنین به منظور جلوگیری از اثر مضاعف، مبلغ اجاره عملیاتی از هزینه های اداری، عمومی و فروش کسر گردیده است. برای سنجش کارایی شرکت ها از رابطه (I) استفاده می شود.

رابطه (۱)

$$\text{Max } \theta = (\text{Sales}) / (\theta \cdot 1 \text{ CGS} + \theta \cdot 1 \text{ SG \& A} + \theta \cdot 1 \text{ PPE} + \theta \cdot 1 \text{ Opslease} + \theta \cdot 1 \text{ Intan}) - 1$$

گام دوم، کارایی محاسبه شده شرکت ها متأثر از دو عامل از ویژگی های شرکتی و توانایی مدیران است. بنابراین باید این دو عامل از یکدیگر تفکیک گردند. در این راستا، ابتدا از یک رگرسیون که ارتباط کارایی شرکت ها را با ویژگی های شرکتی را نشان می دهد، استفاده می شود:

رابطه (۲)

$$\text{Firm Efficiency} = \alpha_0 + \alpha_1 \ln(\text{Total Assets}) + \alpha_2 \text{ Market Share} + \alpha_3 \text{ FreeCash Flow} + \alpha_4 \ln(\text{Age}) + \alpha_5 \text{ Foreign Currency Indicator} + \varepsilon$$

پسماندهای باقیمانده حاصل از مدل، نشان دهنده امتیاز توانایی مدیران شرکت است. در رابطه فوق:

LN (Total Assets): اندازه شرکت که برابر است با لگاریتم طبیعی دارایی های شرکت

Market Share: نشان دهنده سهم بازار شرکت از صنعت است و از رابطه زیر اندازه گیری می شود.

مقدار فروش در پایان سال

Market Share =

جمع کل فروش صنعت در پایان سال

- وابسته :

- حق الزحمه حسابرسی (Ln_AF): بر اساس لگاریتم طبیعی حق الزحمه حسابرس، اندازه گیری می شود. علت استفاده از لگاریتم طبیعی در محاسبه حق الزحمه حسابرس، همگن کردن حق الزحمه شرکت های بزرگ و کوچک می باشد.

- متغیر تعدیلگر:

- آشفته گی مالی (DISTR): در این پژوهش آشفته گی مالی (محدودیت مالی) با استفاده از شاخص شاخص کپلن و زینگالس^۱ (kz) محاسبه می گردد. معیار مورد استفاده برای سنجش سطح آشفته گی مالی شرکت ها، شاخص kz می باشد. هر چه سطح شاخص در شرکتی بالاتر (پایینتر) باشد، وابستگی آن به حقوق صاحبان سهام کمتر (بیشتر) و توان دستیابی به منابع مالی بیشتری (کمتری) دارد. شاخص فوق توسط جهانخانی و کنعانی (۱۳۸۴) بومی سازی شده، و در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است. نحوه محاسبه شاخص با استفاده از رابطه (۱-۲) به شرح زیر می باشد:

$$KZ_{IR} index = +2.85351 \frac{C_{i,t}}{A_{i,t-1}} - 0.02605 \frac{CF_{i,t}}{A_{i,t-1}} + 4.11475 \frac{Div_{i,t}}{A_{i,t-1}} + 2.22050 Lev$$

$CF_{i,t}$ = خالص جریان نقدی برای شرکت i در دوره t ؛

$C_{i,t}$ = مانده وجه نقد (وجه نقد و موجودی نزد بانکها) برای شرکت i در دوره t ؛

$A_{i,t-1}$ = ارزش دفتری کل داراییها برای شرکت i در دوره $t-1$ ؛

$Div_{i,t}$ = سود نقدی برای شرکت i در دوره t ؛

$Lev_{i,t}$ = نسبت اهرمی (نسبت کل بدهیها به کل داراییها) برای شرکت i در دوره t .

- متغیرهای کنترلی :

- اندازه شرکت (Size): عبارت است از لگاریتم جمع داراییهای شرکت.

- بازده داراییها (ROA): عبارت است از بازده داراییها که از تقسیم سود خالص پس از کسر مالیات بر مجموع داراییها بدست می آید.

- زیاندهی (Loss): یک متغیر دامی است، چنانچه شرکت در پایان سال مالی دارای زیان باشد عدد یک و در غیر اینصورت عدد صفر لحاظ می گردد.

- اهرم مالی (LEV): عبارت است از نسبت بدهیها که از تقسیم مجموع بدهیها بر مجموع داراییها بدست می آید.

- رشد فروش (SGROWTH): عبارت است از درصد رشد فروش نسبت به سال قبل.

- نسبت سریع (Quick): عبارت است از تفاوت داراییهای جاری با موجودیها تقسیم بر بدهیهای جاری.

- اندازه حسابرس (BIG_N): چنانچه حسابرس شرکت سازمان حسابرسی باشد عدد ۱ و در غیر اینصورت عدد صفر لحاظ می شود.

- سهامداران نهادی (INSTO): عبارت است از درصد سهام در اختیار مالکان نهادی شامل بانک، بیمه، لیزینگ، موسسات مالی اعتباری، شرکت های سرمایه گذاری، صندوق های بازنشستگی، نهادهای انقلابی و شرکت های دولتی و شبه دولتی.

- صنعت (IND_EFFECT)

- سن شرکت (YEAR EFFECT): سن پذیرفته شدن شرکت در بورس می باشد.

۵. یافته های پژوهش:

خلاصه وضعیت آمار توصیفی مربوط به متغیرهای تحقیق پس از غربالگری و حذف داده های پرت ارائه شده است. در جدول ۱ مشخصات آماری میانگین، میانه، حداکثر، حداقل، انحراف معیار هر متغیر آورده شده است.

جدول (۱): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	نماد	میانگین	میانه	بیشترین	کمترین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی	مشاهدات
لگاریتم حق الزحمه حسابرسی	lnAf	۶/۹۳	۶/۸۷	۹/۵۱	۴/۷۹	۰/۷۸	۰/۲۹	۳/۱۷	۵۸۸
توانایی مدیریتی	MABI	۰/۰۰۰۲	۰	۰/۳۳	-۰/۳۳	۰/۰۸	-۰/۱۱	۴/۱۱	۵۸۸
آشفته گی مالی	DISTR	۱/۷۱	۱/۶۲	۵/۶۱	۰/۱۱	۰/۶۸	۱/۵۹	۹/۱۳	۵۸۸
اندازه شرکت	Size	۱۴/۰۹	۱۳/۹۹	۱۸/۷۵	۱۰/۴۹	۱/۳۸	۰/۶۰	۳/۹۸	۵۸۸
بازده دارایی ها	ROA	۰/۱۱	۰/۱۰	۰/۶۳	-۰/۵۳	۰/۱۴	۰/۳۸	۵	۵۸۸
اهرم مالی	LEV	۰/۶۱	۰/۶۱	۱/۶۵	۰/۰۹	۰/۲۲	۰/۶۴	۴/۶۷	۵۸۸
رشد فروش	SGRO	۰/۱۹	۰/۱۴	۴/۶۵	-۰/۶۰	۰/۴۱	۳/۴۵	۳۱	۵۸۸
نسبت سریع	Quick	۰/۹۴	۰/۷۷	۱۰/۴۳	۰/۱۰	۰/۹۱	۶/۴۶	۵۸/۱۷	۵۸۸
سهامداران نهادی	INSTO	۶۲/۸۱	۷۱/۵۳	۹۷/۳۶	۰	۲۷/۴۵	-۱/۰۱	۲/۹۱	۵۸۸
سن شرکت	YEAR	۱۹/۰۳	۱۷	۵۰	۶	۹/۲۵	۱/۳۷	۴/۳۷	۵۸۸

به طور مثال برای داده‌های مربوط به متغیر لگاریتم حق الزحمه حسابرسی ملاحظه می‌شود که این اطلاعات بین دامنه‌ی ۴/۷۹ تا ۹/۵۱ در نوسان هستند که این دامنه‌ی تغییرات مقدار انحراف معیاری برابر با ۰/۷۸ داشته است و داده‌ها را حول مقدار ۶/۹۳ که میانگین آن است متغیر می‌سازد. به همین ترتیب برای سایر متغیرهای تحقیق می‌توان از شاخص‌های موجود در جدول آمار توصیفی استفاده کرد. مقدار تعداد مشاهدات نیز برابر با حاصلضرب تعداد شرکت در تعداد سال‌های مورد بررسی می‌باشد که مقدار ۵۸۸ از اطلاعات ۶ سال ۹۸ شرکت حاصل شده است. چولگی و کشیدگی نیز دو مقدار جهت سنجش اختلاف داده‌ها با توزیع نرمال می‌باشد. مقدار چولگی بیانگر مرکزیت داده‌های توزیع نرمال و مقدار کشیدگی بیانگر ارتفاع داده‌های توزیع نرمال می‌باشد. مقداری که دقیقاً بیانگر توزیع نرمال باشد، دامنه‌ی ۲- تا ۲ برای این دو شاخص است و اگر برای مجموعه داده‌ای این دو مقدار در بازه‌ی مربوطه باشند، نشان از پیروی آن مجموعه داده از توزیع نرمال دارد. بدین ترتیب در ارتباط با متغیر لگاریتم حق الزحمه حسابرسی می‌توان گفت که این متغیر از منظر چولگی شرایط توزیع نرمال را دارد ولی از منظر کشیدگی این شرایط برقرار نیست. به همین ترتیب برای سایر متغیرهای تحقیق نیز توصیف‌های مرتبط را ارائه کرد.

جدول (۲): ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

	LnAF	MABI	DISTRs	Size	ROA	LEV	MY	SGRO	Quick	BI68	INSTO	IBD	YEAR
LnAF	۱												
MABI	-۰/۰۳۳	۱											
DISTRs	-۰/۰۳۳	-۰/۰۰۲	۱										
Size	-۰/۰۳۳	-۰/۰۰۲	-۰/۰۵۸	۱									
ROA	-۰/۰۳۳	-۰/۰۳۳	-۰/۰۵۸	-۰/۰۸۳	۱								
LEV	-۰/۰۱۳	-۰/۰۹۳	-۰/۰۸۳	-۰/۰۳۳	-۰/۰۵۸	۱							
MY	-۰/۰۵۸	-۰/۰۹۳	-۰/۰۸۳	-۰/۰۳۳	-۰/۰۵۸	-۰/۰۳۳	۱						
SGRO	-۰/۰۷۸	-۰/۰۳۳	-۰/۰۸۳	-۰/۰۷	-۰/۰۳۳	-۰/۰۳۳	-۰/۰۳۳	۱					
Quick	-۰/۰۷۸	-۰/۰۳۳	-۰/۰۸۳	-۰/۰۷۹	-۰/۰۳۳	-۰/۰۳۳	-۰/۰۳۳	-۰/۰۳۳	۱				
BI68	-۰/۰۳۳	-۰/۰۳۳	-۰/۰۸۳	-۰/۰۳۳	-۰/۰۳۳	-۰/۰۳۳	-۰/۰۳۳	-۰/۰۳۳	-۰/۰۳۳	۱			
INSTO	-۰/۰۳۳	-۰/۰۳۳	-۰/۰۸۳	-۰/۰۳۳	-۰/۰۳۳	-۰/۰۳۳	-۰/۰۳۳	-۰/۰۳۳	-۰/۰۳۳	-۰/۰۳۳	۱		
IBD	-۰/۰۳۳	-۰/۰۳۳	-۰/۰۸۳	-۰/۰۳۳	-۰/۰۳۳	-۰/۰۳۳	-۰/۰۳۳	-۰/۰۳۳	-۰/۰۳۳	-۰/۰۳۳	-۰/۰۳۳	۱	
YEAR	-۰/۰۳۳	-۰/۰۳۳	-۰/۰۸۳	-۰/۰۳۳	-۰/۰۳۳	-۰/۰۳۳	-۰/۰۳۳	-۰/۰۳۳	-۰/۰۳۳	-۰/۰۳۳	-۰/۰۳۳	-۰/۰۳۳	۱

※: همبستگی در سطح ۰/۰۱ معنادار است. ※: همبستگی در سطح ۰/۰۵ معنادار است.

جدول همبستگی بیانگر آزمون وجود یا عدم رابطه معنادار بین دو متغیر است. همان گونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود، برای هر دو متغیر تحقیق، یک مقدار محاسبه شده است که عبارتند از همبستگی پیرسون. این مقدار همبستگی بین دو متغیر را نشان می‌دهد. مقدار همبستگی عددی بین منفی یک تا مثبت یک است. اگر مقدار همبستگی منفی باشد، نشان می‌دهد که رابطه‌ی دو متغیر مورد بررسی در جهت معکوس می‌باشد و اگر مقدار همبستگی مثبت باشد، نشان می‌دهد که رابطه‌ی دو متغیر مورد بررسی در جهت مستقیم می‌باشد. بر اساس توضیحات فوق می‌توان در ارتباط با روابط بررسی شده بین متغیرهای تحقیق اظهار نظر کرد. به طور مثال برای دو متغیر لگاریتم حق الزحمه حسابرسی (LnAF) و اندازه شرکت (Size) می‌توان گفت که رابطه‌ی بین این دو متغیر مثبت و معنادار است و با احتمال ۹۹ درصد می‌توان گفت که با افزایش اندازه شرکت، مقدار لگاریتم حق الزحمه حسابرسی نیز افزایش خواهد یافت.

قبل از انجام آزمون فرضیه می‌بایست پایایی هر کدام از متغیرها بررسی شود. پایایی حکایت از ثابت بودن واریانس‌ها و میانگین متغیر در طول سالهای مختلف دارد. در واقع ثابت بودن این شاخص‌ها از پدیدآوردن رگرسیون کاذب جلوگیری می‌کند. پایایی یا مانایی توسط آزمون ریشه واحد طبق متد لوین، لین و چو انجام می‌گیرد.

جدول (۳): نتایج آزمون لوین، لین و چو جهت بررسی مانایی متغیرهای پژوهش

متغیر	نماد	آماره لوین، لین و چو	p-value	نتیجه آزمون
لگاریتم حق الزحمه حسابرسی	LnAF	-۹/۷۶۸۲	۰/۰۰۰۱	H ₀ رد می‌شود (متغیر موردنظر مانا است)
توانایی مدیریتی	MABI	-۳۸/۵۵۲۷	۰/۰۰۰۱	H ₀ رد می‌شود (متغیر موردنظر مانا است)
آشفته‌گی مالی	DISTRs	-۲۲/۴۲۶۸	۰/۰۰۰۱	H ₀ رد می‌شود (متغیر موردنظر مانا است)
اندازه شرکت	Size	-۲۴/۹۹۰۶	۰/۰۰۰۱	H ₀ رد می‌شود (متغیر موردنظر مانا است)
بازده دارایی‌ها	ROA	-۱۴/۵۸۴۶	۰/۰۰۰۱	H ₀ رد می‌شود (متغیر موردنظر مانا است)
اهرم مالی	LEV	-۱۵/۰۸۸۵	۰/۰۰۰۱	H ₀ رد می‌شود (متغیر موردنظر مانا است)
رشد فروش	SGRO	-۳۷/۵۵۸۶	۰/۰۰۰۱	H ₀ رد می‌شود (متغیر موردنظر مانا است)
نسبت سریع	Quick	-۱۴/۹۸۳۷	۰/۰۰۰۱	H ₀ رد می‌شود (متغیر موردنظر مانا است)
سهامداران نهادی	INSTO	-۱۰۲/۱۴۱	۰/۰۰۰۱	H ₀ رد می‌شود (متغیر موردنظر مانا است)
سن شرکت	YEAR	-۸۸/۸۷۰۱	۰/۰۰۰۱	H ₀ رد می‌شود (متغیر موردنظر مانا است)

بر اساس اعداد درج شده در ستون p -value، کلیه متغیرها در سطح خطای کمتر از ۵ درصد بوده و در نتیجه فرض ۱ تایید شده و متغیرها پایایی لازم را دارا هستند.

قبل از برآورد داده‌های ترکیبی، می‌بایست برای انتخاب روش تلفیقی یا ترکیبی اقدام شود.

جدول (۴): نتایج آزمون F (لیمر) برای انتخاب روش تجمیعی (Pooling) یا ترکیبی (Panel)

مدل	فرضیه صفر (H_0)	آماره	درجه آزادی	p -value	نتیجه آزمون
اول	(روش Pooling مناسب است)	۷۱۲/۳۰	۹۷	۰/۰۰۰۱	روش پانل مناسب است
دوم	(روش Pooling مناسب است)	۷۰۶/۴۵	۹۷	۰/۰۰۰۱	روش پانل مناسب است

نتیجه این آزمون در سطح اطمینان ۹۵ درصد نشانگر رد شدن فرض صفر می‌باشد، لذا می‌بایست از روش داده‌های پانل بهره‌گیری کرد. در نتیجه موضوع انتخاب از بین مدل‌های اثرات ثابت و تصادفی پیش می‌آید، به همین منظور از آزمون هاسمن استفاده می‌گردد. برای انتخاب بین مدل اثرات تصادفی یا اثرات ثابت از آزمون هاسمن استفاده می‌شود. نتایج آزمون هاسمن برای مدل‌های پژوهش به شرح جدول شماره (۴) می‌باشد:

جدول (۵): نتایج آزمون هاسمن برای انتخاب بین مدل اثرات ثابت و اثرات تصادفی

مدل	فرضیه صفر (H_0)	آماره χ^2	درجه آزادی	p -value	نتیجه آزمون
اول	روش اثرات تصادفی مناسب است	۹۱/۴۷۶	۱۰	۰/۰۰۰۱	روش اثرات ثابت مناسب است
دوم	روش اثرات تصادفی مناسب است	۸۶/۱۵۴	۱۲	۰/۰۰۰۱	روش اثرات ثابت مناسب است

نتایج جدول بالا بیانگر آن است که در مدل پژوهش باید از روش اثرات ثابت استفاده نمود.

در این پژوهش برای بررسی وجود مشکل ناهمسانی واریانس از آزمون بروش پاگان - کوک و ویسبرگ استفاده شده است.

جدول (۶): نتایج آزمون آزمون بروش پاگان - کوک و ویسبرگ برای کشف ناهمسانی واریانس

مدل	فرضیه صفر (H_0)	آماره χ^2 بروش پاگان - کوک و ویسبرگ	p -value	نتیجه آزمون
اول	واریانس‌ها همسانند	۱۶۷/۶۸	۰/۰۰۰۱	واریانس‌ها ناهمسانند
دوم	واریانس‌ها همسانند	۱۶۵/۹۴	۰/۰۰۰۱	واریانس‌ها ناهمسانند

بنابر نتایج حاصل از این آزمون که در جدول شماره ۵ آورده شده است، در مدل پژوهش مشکل ناهمسانی واریانس وجود دارد، زیرا احتمال یا p -value محاسبه شده کمتر از ۰/۰۵ است. به همین منظور از آزمون حداقل مربعات تعمیم یافته^۱ برای رفع مشکل همسانی و آزمون فرضیات استفاده می‌شود.

¹ Generated least squares (GLS)

– آزمون مدل اول پژوهش

نتایج حاصل از برآورد مدل اول پژوهش به شرح جدول (۶) می باشد.

جدول (۷): خلاصه نتایج آماری آزمون مدل اول پژوهش

متغیر	ضرایب	انحراف معیار	آماره t	سطح معناداری	آزمون Vif
B _۰ (عرض از مبدأ)	۲/۱۳	۰/۳۳	۶/۴۶	۰/۰۰۰۱	-
توانایی مدیریتی	-۰/۰۳	۰/۰۸	-۰/۳۹	۰/۶۹۹۱	۱/۱۰۹
اندازه شرکت	۰/۲۱	۰/۰۳	۷/۳۲	۰/۰۰۰۱	۱/۱۷۳
بازده دارایی ها	-۰/۱۲	۰/۰۹	-۱/۳۳	۰/۱۸۳۹	۲/۴۰۵
زیاندهی	۰/۰۵	۰/۰۳	۲/۰۷	۰/۰۳۹۰	۱/۵۴۸
اهرم مالی	-۰/۱۲	۰/۰۷	-۱/۵۹	۰/۱۱۲۶	۲/۱۳۵
رشد فروش	-۰/۰۱	۰/۰۲	-۰/۷۳	۰/۴۶۵۹	۱/۱۸۴
نسبت سریع	۰/۰۰۰۵	۰/۰۲	۰/۰۴	۰/۹۷۰۹	۱/۳۴۵
اندازه حسابرس	۰/۳۵	۰/۰۴	۸/۳۵	۰/۰۰۰۱	۱/۱۴۸
سهامداران نهادی	-۰/۰۰۱۶	۰/۰۰۰۶	-۲/۶۳	۰/۰۰۸۸	۱/۱۸۶
سن شرکت	۰/۱۰	۰/۰۰۶۱	۱۶/۴۲	۰/۰۰۰۱	۱/۰۷۹
آماره F فیشر	۱۳۴/۵۲	سطح معنی داری آماره F	۰/۰۰۰۱		
ضریب تعیین	۰/۹۶۷۷	آماره دوربین واتسن	۱/۹۷۰۶		

نتایج فرضیه اول: ضریب برآوردی متغیر مستقل توانایی مدیریتی در جدول قبل نشانگر عدم وجود رابطه معنی دار بین توانایی مدیریتی و حق الزحمه حسابرسی در سطح خطای ۰/۰۵ می باشد. چراکه مقدار **p-value** بدست آمده برای ضریب این متغیر مستقل، بالاتر از ۰/۰۵ محاسبه شده است. بنابراین فرض **H_۰** تأیید و فرض **H_۱** رد می شود. لذا می توان بیان کرد بین توانایی مدیریتی و حق الزحمه حسابرسی در شرکتهای پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران رابطه معنادار وجود ندارد.

– آزمون مدل دوم پژوهش

نتایج حاصل از برآورد مدل دوم پژوهش به شرح جدول (۸) می باشد.

جدول (۸): خلاصه نتایج آماری آزمون مدل اول پژوهش

متغیر	ضرایب	انحراف معیار	آماره t	سطح معناداری	آزمون VIF
B۰ (عرض از مبدأ)	۲/۰۹	۰/۳۰	۶/۸۹	۰/۰۰۰۱	-
توانایی مدیریتی	۰/۵۹	۰/۲۲	۲/۶۴	۰/۰۰۸۵	۱/۱۰۹
آشفته‌گی مالی	-۰/۰۰۵۸	۰/۰۱	-۰/۴۸	۰/۶۳۲۰	۱/۷۹۷
اثر تعدیلی آشفته‌گی مالی	-۰/۳۸	۰/۱۳	-۳/۰۵	۰/۰۰۲۴	۱/۵۹۶
اندازه شرکت	۰/۲۲	۰/۰۳	۷/۹۹	۰/۰۰۰۱	۱/۱۷۴
بازده دارایی‌ها	-۰/۱۸	۰/۰۹	-۱/۸۹	۰/۰۵۹۵	۲/۴۲۹
زیاندهی	۰/۰۴	۰/۰۳	۱/۵۸	۰/۱۱۴۵	۱/۵۵۵
اهرم مالی	-۰/۱۱	۰/۰۸	-۱/۴۱	۰/۱۵۹۰	۳/۱۲۲
رشد فروش	-۰/۰۰۱۵	۰/۰۲	-۰/۰۸	۰/۹۳۸۲	۱/۲۱۴
نسبت سریع	-۰/۰۱	۰/۰۲	-۰/۷۲	۰/۴۷۴۷	۱/۳۴۶
اندازه حسابرِس	۰/۳۵	۰/۰۴	۸/۲۷	۰/۰۰۰۱	۱/۱۴۹
سهامداران نهادی	-۰/۰۰۱۵	۰/۰۰۰۶	-۲/۵۰	۰/۰۱۲۶	۱/۱۸۷
سن شرکت	۰/۱۰	۰/۰۰۶۳	۱۵/۷۵	۰/۰۰۰۱	۱/۰۸۲
آماره F فیشِر	۱۳۷/۸۶		سطح معنی داری آماره F	۰/۰۰۰۱	
ضریب تعیین	۰/۹۶۹۲		آماره دوربین واتسن	۱/۹۶۰۲	

نتایج فرضیه دوم: ضریب برآوردی متغیر مستقل توانایی مدیریتی در جدول قبل نشانگر وجود رابطه معنی دار بین توانایی مدیریتی و حق الزحمه حسابرِس در سطح خطای ۰/۰۵ می باشد. چراکه مقدار $p\text{-value}$ بدست آمده برای ضریب این متغیر، کوچکتر از ۰/۰۵ محاسبه شده است.

همچنین ضریب اثر تعدیلی آشفته‌گی مالی معنادار شده است، چراکه مقدار $p\text{-value}$ بدست آمده برای ضریب این متغیر، کوچکتر از ۰/۰۵ محاسبه شده است و در نتیجه توانسته است اثر معناداری بر رابطه بین توانایی مدیریتی و حق الزحمه حسابرِس داشته باشد. لذا فرضیه دوم تحقیق تأیید می گردد و می توان بیان کرد آشفته‌گی مالی رابطه بین توانایی مدیریتی و حق الزحمه حسابرِس در شرکتهای پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران را تعدیل می کند.

۶. نتیجه گیری:

نتایج پژوهش را می‌توان به شرح زیر ارائه نمود:

فرضیه اول پژوهش به این شرح بود: با ثابت فرض کردن سایر عوامل بین توانایی مدیریتی و حق الزحمه حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران رابطه منفی وجود دارد.

در تفسیر نتایج این فرضیه می‌توان گفت که انتظار بر این نبود که رابطه‌ای بین دو متغیر مشاهده نشود اما نتایج از معنی‌داری لازم برخوردار نبود، به همین ترتیب در این فرضیه رابطه‌ای بین توانایی مدیریتی و حق الزحمه حسابرسی وجود ندارد. نتایج این فرضیه با نتایج با تحقیقات یاتاو و ین (۲۰۱۷) عدم مطابقت نشان می‌دهد.

فرضیه دوم پژوهش به این شرح بود: آشفته‌گی مالی رابطه بین توانایی مدیریتی و حق الزحمه حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران را تعدیل می‌کند.

در تفسیر نتایج این فرضیه می‌توان گفت مدیران با توانایی بالا می‌توانند در درک بهتر خود از شیوه‌های گزارشگری مالی و ضعف‌های کنترل داخلی شرکت برای بهره‌برداری از فرصت‌های تقلب و طراحی استراتژی‌های مخفی استفاده کنند. نتایج سازگار با موضوع اصلی مطالعه که مدیران با توانایی نسبتاً بالا می‌توانند فرصت طلبانه عمل کنند، می‌باشد. مدیران با توانایی بالا در شرکت‌های دارای آشفته‌گی مالی برای به حداکثر رساندن جبران حقوق صاحبان سهام و مقابله با فشارهای بازپرداخت بدهی، درگیر گزارشگری مالی فرصت طلبانه می‌شوند و در نتیجه هزینه‌های حسابرسی بیشتری نیز متحمل می‌شود.

نتایج این فرضیه با نتایج پژوهش گول و همکاران^۱ (۲۰۱۸) مطابقت داشته است.

بعد از تکمیل شدن مراحل پژوهش، نتایجی از فرضیات حاصل شد که پیشنهاداتی کاربردی در راستای نتایج پژوهش بیان می‌شود:

- به سازمان بورس اوراق بهادار تهران پیشنهاد می‌شود برای سنجش آشفته‌گی مالی شرکت‌ها مکانیزم‌هایی برقرار کنند تا راهکارهایی برای خروج از آشفته‌گی مالی از طریق نظارت بیشتر فراهم شود.

- به سازمان حسابرسی به عنوان هیأت تدوین استانداردهای حسابداری و حسابرسی پیشنهاد می‌شود الزاماتی برای افشای اطلاعات لازم در زمینه آشفته‌گی مالی شرکت‌ها برای بهره‌برداری بهتر استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی قرار دهند.

¹ Gul et al

منابع

- بزرگ اصل، موسی و صالح زاده، بیستون (۱۳۹۴). رابطه توانایی مدیریت و پایداری سود با تاکید بر اجزای تعهدی و جریان های نقدی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابرسی، سال ۱۴، شماره ۵۸، ص ۱۷۰-۱۵۳.
- جهانخانی، علی و کنعانی، منصور (۱۳۸۴). تعیین رابطه بین و بازده آتی Q مخارج سرمایه ای با ضریب سهام در شرکت های پذیرفته شده در سازمان بورس اوراق بهادار با استفاده از اطلاعات حسابداری. رساله دوره دکتری. دانشگاه تربیت مدرس.
- کمالی منفرد، شیما و احمدی، سعید (۱۳۹۶). تأثیر توانایی مدیریت بر اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت با استفاده از روش تحلیل پوششی داده ها، دانش حسابداری، دوره ۸، شماره ۱، پیاپی ۲۸، ص ۱۵۴-۱۳۵.
- لاری دشت بیاض، محمود و اورادی، جواد (۱۳۹۵). ویژگی های کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران، دوره ۶، شماره ۲، پیاپی ۲۲، ص ۹۴-۶۹.
- لاری دشت بیاض، محمود و اورادی، جواد (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین دوره تصدی و دانش مالی مدیرعامل با حق الزحمه حسابرسی، بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۴، شماره ۱، ص ۱۰۲-۸۱.
- مرادزاده فرد، مهدی (۱۳۹۵). توانایی مدیریتی، کارایی سرمایه گذاری و ریسک سقوط آتی قیمت سهام، مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال ۱۳، شماره ۵۰، ص ۵۶-۲۵.
- Bamber, L., J. Jiang, & I. Wang. (2010). What's my style? The influence of top managers on voluntary corporate financial disclosure. *The Accounting Review* 85 (4): 1131-1162.
- Besancenot, D., & Vranceanu, R. (2009). Strategic managerial dishonesty and financial distress. *Research in Economics* 63 (1): 11-21.
- Bonsall, B. Samuel., Holzman, R. Miller., & Brian.P (2016). Managerial Ability and Credit Risk Assessment. *Management Science*, 22(5), 1-26.
- Boyle, D., F. DeZoort, & D. Hermanson. (2015). The effect of alternative fraud model use on auditors' fraud risk judgments. *Journal of Accounting and Public Policy*, 34 (6): 578-596.
- Dellaportas, S. (2013). Conversations with inmate accountants: Motivation, opportunity and the fraud triangle. *Accounting Forum* 37 (1): 29-39.
- Demerjian, P., B. Lev, M. Lewis, & S. McVay. (2013). Managerial ability and earnings quality. *The Accounting Review* 88 (2): 463-498.
- Efendi, J., A. Srivastava, & E. Swanson. (2007). Why do corporate managers misstate financial statements? The role of option compensation and other factors. *Journal of Financial Economics* 85 (3): 667-708.
- Evans, L., & Schwartz, J. (2014). The effect of concentration and regulation on audit fees: An application of panel data techniques. *Journal of Empirical Finance*, 27, 130-144.
- Gul, F.A., Khedmati, M., Lim, E.K.Y., Navissi, F. (2018). Managerial Ability, Financial Distress, and Audit Fees. *Accounting Horizons*, 32(1), 29-51.
- Jensen, M., and M. Meckling. (1976). Theory of the firm: Managerial behavior, agency costs, and ownership structure. *Journal of Financial Economics* 3 (4): 305-360.
- Johnson, E., Kuhn, J., Apostolou, B., and J. Hassell. (2013). Auditor Perceptions of Client Narcissism as a Fraud Attitude Risk Factor. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 32, 203-219.
- Koester, A., and Shevlin, T., and D. Wangerin. (2016). The Role of Managerial Ability in Corporate Tax Avoidance. *Management Science*, 22(9), 1-27.
- Krishnan, G., & C. Wang. (2015). The relation between managerial ability and audit fees and going concern opinions. *Auditing: A Journal of Practice & Theory* 34 (3): 139-160.
- Li, S. (2016). Managerial Ability and Goodwill Impairment. *Advances in Accounting, incorporating Advances in International Accounting*, 32, 42-51.
- Matsumoto, Ge.W.D., & Zhang, J. (2011). Do CFOs have style? An empirical investigation of the effect of individual CFOs on accounting practices. *Contemporary Accounting Research* 28 (4): 1141-1179.
- Uygur, O. (2018). CEO ability and corporate opacity. *Global Finance Journal*, 35, 72-81.
- Wolfe, D. T., and D. R. Hermanson. (2004). The fraud diamond: Considering the four elements of fraud. *The CPA Journal* 74 (12): 38-42.
- Yung, K., & Chen, C. (2018). Managerial ability and firm risk-taking behavior, *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 51(4), 1005-1032.
- Yutao, L., and L. Yan. (2017). The Contextual Nature of the Association Between Managerial Ability and Audit Fees. *Review of Accounting and Finance*, 16(1), 2-20.